

# مفهوم انس با قرآن و آثار آن در سبک زندگی اسلامی

(تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۲، تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۲/۲۱)

خدیجه بنام\*، نوروز امینی\*\*

## چکیده

انس با قرآن مفهومی پرکاربرد در فرهنگ اسلامی است و در روایات بسیاری بر انس با قرآن تأکید شده است. انس با قرآن اگرچه جلوه‌ها و ظهورهای متعددی از جمله قرائت، روخوانی، حفظ و فهم مفاهیم دارد، اما هیچ‌یک از این موارد نمی‌تواند معنای حقیقی انس با قرآن را تبیین کند. این مقاله ضمن بررسی مفهوم حقیقی انس با قرآن از رهگذر تأکید بر معنای لغوی این واژه، انس با قرآن را در معنای آرامش یافتن و رسیدن به سکینه در محضر قرآن می‌داند و در ادامه مهم‌ترین آثار انس با قرآن را از رهگذر آیات و روایات مورد مطالعه قرار می‌دهد.

**واژگان کلیدی:** انس با قرآن، الفت، سکینه، آرامش.

## مقدمه

قرآن ریسمان محکم پروردگار و فروغ تابناک او، دستاویز مطمئن و دژ استوار و اقیانوسی است که بر اندک و بسیار و خرد و کلان احاطه دارد؛ شگفتی‌های آن پایان نمی‌پذیرد و لطایف و غرایب آن به آخر نمی‌رسد، فواید آن نزد اهل فهم محدود نمی‌شود و کثرت تلاوت خوانندگان، از تازگی و حلاوت آن نمی‌کاهد. کتابی است که پیشینیان را راهنمایی کرده و آیندگان را نیز راهنما خواهد بود. یکی از توصیه‌های مهم دین اسلام برای پیروان خود، انس و الفت با قرآن کریم است. چنان‌که در روایات بسیاری بر این امر تأکید شده است. اما پرسش این است که منظور از انس با قرآن چیست و آثار آن کدام‌اند؟ آیا صرف تلاوت ظاهر قرآن، انس با قرآن به شمار می‌رود و اگر چنین است، آیا همهٔ آثاری که برای انس با قرآن در روایات ذکر شده است، بر این نوع از انس مترتب است؟ اگر پاسخ منفی است، پس انس حقیقی با قرآن که همهٔ آثار یادشده در روایات بر آن مترتب است، کدام است؟ این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی، آیات و روایات مرتبط با این مفهوم را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

\*. (نویسنده مسئول) کارشناس تربیت معلم قرآن مجید؛ دانشکده علوم قرآنی خوی؛ kh.benam@yahoo.com

\*\* .استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم؛ amini@quran.ac.ir

## بحث و بررسی

### ۱- مفهوم انس در لغت

واژه «انس» طبق دیدگاه لغت‌شناسان، از فعل «أَنَسَ، يَأْنَسُ» مشتق شده و به معنای رام شدن و ضد توحش است. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱، ۱۴۵؛ معلوف، ۱۳۸۴: ۱، ۳۷) و انسان هم از این ریشه اخذ شده است؛ چرا که اولاً از توحش به دور است، ثانیاً در مقایسه با جنیان، که پیوسته از دیدگان انسان غایب و بدین سبب مرموز و ترسناک هستند، دارای ظهور است و همین ظهورش باعث می‌شود که خوفناک نباشد. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱، ۱۴۵) در فرهنگ‌های فارسی نیز بر همین معنا و نیز معانی آرامش یافتن و خو گرفتن اشاره شده است. (معین، ۱۳۸۵: ۱۶۳؛ حسینی دشتی، ۱۳۸۵: ۱، ۹۵۳) بنابراین، انس در لغت به معنای رام شدن و آرامش یافتن است؛ چنان که حیوان وحشی نیز قبل از رام شدن نآرام است، اما به محض رام شدن آرامش می‌یابد و از تب و تاب او کاسته می‌شود.

### ۲- مفهوم انس با قرآن کریم

قرآن، این بزرگ‌ترین محور اتحاد مسلمانان جهان، قرن‌هاست که دستخوش غبار افکار و بر کنار از زندگی آدمیان، مهجور مانده است. یکی از راه‌های رفع این مهجوریت، گسترش فرهنگ انس با قرآن کریم می‌باشد. حال باید دید که راه برون‌رفت از این بحران چیست؟ به راستی منظور از انس با قرآن کدام است و دیدگاه قرآن و اهل بیت در این زمینه چیست؟ به طور کلی روایاتی را که به مسأله انس با قرآن کریم مربوط هستند، در سه گروه عمده می‌توان جای داد:

۱- روایاتی که بر تلاوت صرف قرآن اشاره دارند: در روایات بسیاری بر انس با قرآن کریم و الفت گرفتن با آن و مداومت بر قرائت آن تأکید شده است. پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «هر کس به یک آیه از کتاب خدا گوش دهد، برایش ثوابی دو چندان نوشته می‌شود و هر کس یک آیه از کتاب خدا را تلاوت کند، روز قیامت آن آیه نوری برای او می‌باشد.» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۷: ۱۰، ۴۸۳۷) امام علی (علیه السلام) نیز می‌فرماید: «هر که به تلاوت قرآن انس گیرد، جدایی برادران او را به وحشت تنهایی نمی‌اندازد.» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۷: ۱۰، ۴۸۳۳) همچنین پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «بر تو باد، خواندن قرآن؛ زیرا خواندن آن کفاره گناهان است و پرده‌ای در برابر آتش و موجب ایمنی از عذاب می‌شود.» (محمدی

ری شهری، ۱۳۷۷: ۱۰، ۴۸۲۱) حضرت علی (علیه السلام) به زیبایی از عظمت قرآن و ضرورت انس و تدبر در آن سخن می‌گویند: «آگاه باشید که این قرآن یگانه خیرخواهی است که تقلب و خیانت نمی‌کند و هدایتگری است که گمراه نمی‌نماید و سخن‌گویی است که دروغ نمی‌گوید. هیچ‌کس همنشین با این قرآن نگشت؛ مگر اینکه از کنار قرآن با افزایشی یا کاهشی برخاست افزایشی در هدایت یا کاهش از کوری و ضلالت.» (شریف رضی، ۱۳۸۶: خطبه ۱۷۶) حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در وصیت به فرزندش محمد بن حنیفه فرمود: «فرزندم قرآن عهد خداست مبادا شب و روز بر تو بگذرد و از عهد الله غافل بمانی قرآن عهد الله است. از این عهد الله غافل مباش و بر هر مسلمانی واجب است که هر روز در عهد او بنگردد.» (صدوق، بی‌تا: ۲، ۶۲۸) و نیز می‌فرماید: «بدانکه درجات بهشت بر عدد آیات قرآن است و چون روز قیامت شود، به قاری قرآن گفته شود: بخوان و بالا رو. در بهشت بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله) و صدیقین، کسی رفیع‌تر از قاری قرآن نیست. او با خواندن هر آیه‌ای یک درجه بالا می‌رود.» (صدوق، بی‌تا: ۲، ۶۲۸)

۲- روایاتی که بر فراگرفتن و یاد دادن تلاوت قرآن اشاره دارند: بسیاری از روایات نیز به مسأله آموزش قرآن و یاد دادن آن به دیگران تأکید نموده‌اند. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «سزاوار است که مؤمن پیش از آنکه بمیرد، قرآن را بیاموزد یا در حال آموختن آن بمیرد.» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۷: ۱۰، ۴۸۱۳) پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز می‌فرماید: «هر کس به فرزند خود قرآن را آموزش دهد، خداوند گردنبندی به گردن او می‌آویزد که در روز قیامت همگان از آن شگفت‌زده می‌شوند.» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۷: ۱۰، ۴۸۱۵)

۳- روایاتی که به مفهومی فراتر از تلاوت و آموزش قرآن اشاره دارند: در کنار این روایات که از تلاوت صرف قرآن و آموزش و فراگرفتن تلاوت ظاهری آن سخن رفته است، روایات بسیاری نیز داریم که بر مفهومی وسیع‌تر و فراتر از تلاوت صرف اشاره دارند؛ چنان‌که در حدیثی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌خوانیم: «خداوند نیکوترین سخن را (به صورت) کتابی متشابه متضمن وعده و وعید نازل کرده است. آنان که از پروردگارشان می‌هراسند، پوست بدنشان از آن به لرزه می‌افتد. پس پوستشان و دلشان به یاد خدا نرم می‌گردد.» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۷: ۱۰، ۴۸۰۹) امام علی (علیه السلام) نیز می‌فرماید: «بدانید که در خواندن قرآنی که همراه با تدبر همراه نباشد،

خیری نیست.» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷: ۱۰، ۴۸۲۹) حال باید دید مفهوم انس با قرآن از رهگذر این سه دسته روایات چگونه قابل تبیین است.

### ۳- مفهوم انس با قرآن

با توجه به مفهوم لغوی واژه انس و با قرار دادن این مفهوم در کنار مفاهیم برآمده از روایات سابق و امثال آن، می‌توان دریافت که مفهوم انس با قرآن چیزی فراتر از تلاوت ظاهری است. گفتیم که مفهوم انس به معنای آرامش و ضد توحش است و شاید بتوان گفت که انس با قرآن به معنای آرامش یافتن در کنار آن و غلبه بر شهوت و غضب است که از مهم‌ترین مؤلفه‌های زندگی وحوش است. قرآن از مؤمنان می‌خواهد تا هر روز پس از حضور در اجتماع و آلوده شدن به اقتضائات زندگی دنیوی، که همان غلبه جنبه‌های نفسانی بر جنبه‌های روحانی است، ساعتی را در کنار چشمه آرامش‌بخش قرآن بیسایند و روح خود را به آرامشی معنوی بسپارند و این همان مفهوم انس با قرآن است و بی‌شک این انس تنها با تلاوت ظاهری حاصل نمی‌شود؛ به بیان دیگر اگرچه انس با قرآن کریم مراحل مختلفی از جمله نگاه کردن، شنیدن، روخوانی، قرائت، ترتیل، تلاوت، حفظ، تدبر، تفکر، تمسک، فهم و عمل دارد؛ اما مرحله نهایی و اصلی انس، عمل کردن به دستورات آن امانت مقدس الهی و پیاده نمودن در جامعه می‌باشد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «هر کس برای شهرت طلبی و رسیدن به چیزی قرآن بخواند، در روز قیامت با چهره‌ای استخوانی و بی‌گوشت، خدای عزوجل را دیدار می‌کند. ... و هر که قرآن بخواند و به آن عمل نکند، خداوند روز قیامت او را کور محشور می‌گرداند.» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷: ۱۰، ۴۸۳۵)

### ۴- ضرورت انس با قرآن

از آنچه گفته آمد، مفهوم نخستین انس با قرآن آشکار شد. اکنون باید دید که انس با این کتاب آسمانی از چه ضرورتی برخوردار است و چرا مؤمنان به الفت یافتن با این کتاب آسمانی فراخوانده شده‌اند. حقیقت این است که ضرورت انس با قرآن را در چند اصل می‌توان تبیین کرد که در ادامه به این اصول می‌پردازیم.

#### ۴-۱- جهانی بودن قرآن

قرآن مجید به امتی از امم مانند امت عرب یا طایفه‌ای از طوائف مانند مسلمانان اختصاص ندارد، بلکه با طوایف خارج از اسلام نیز سخن می‌گوید؛ همچنان که با

مسلمانان می‌گوید. دلیل این مطلب خطابات بسیاری است که با عناوینی مثل «یا ایها الکافرون»، «یا اهل الكتاب»، «یا بنی اسرائیل» و ... در قرآن آمده است. قرآن با همه امت‌ها احتجاج و آنان را به سوی معارف حق خود فرامی‌خواند و هرگز خطابات خود را به اعراب یا مسلمانان محدود نمی‌کند؛ چنان که دربارهٔ مشرکان می‌فرماید: ﴿فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا الزَّكَاةَ فَخِوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَنُفِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ (توبه/۱۱) و در مورد اهل کتاب و مجوس نیز می‌فرماید: ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نُلْقِيَ إِلَهُ اللَّهِ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾ (آل عمران/۶۴) چنان که می‌بینیم هرگز نفرموده که اگر مشرکان عرب توبه کنند و نیز نفرموده است که ای اهل کتابی که از نژاد عرب می‌باشید. آری در بدو طلوع اسلام که دعوت از جزیرهٔ العرب به بیرون تجاوز نکرده بود، طبعاً خطابات قرآنی به امت عرب القا می‌شد، ولی از سال ششم هجرت که دعوت به بیرون شبه‌جزیره راه یافت، هیچ موجبی برای توهم اختصاص نبود. گذشته از این آیات، آیات دیگری دلالت بر عموم دعوت می‌کند؛ مانند آیه ﴿قُلْ أَيْ شَيْءٍ أَكْبَرَ شَهَادَةً قُلْ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ أَنْكُمْ لِتَشْهَدُونَ أَنْ مَعَ اللَّهِ إِلَهٌ آخَرُ قُلْ لَا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ﴾ (انعام/۱۹) و این آیه که می‌فرماید: ﴿إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ﴾ (ص/۸۷) و نیز فرموده است: ﴿وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ﴾ (قلم/۵۲) و آیاتی که قرآن را هشداردهنده‌ای برای همهٔ بشر قلمداد کرده است. (مدثر/۳۶) به حسب تاریخ نیز، اسلام عده‌ای از ارباب مذاهب مختلف مانند بت‌پرستان و یهود و نصاری و همچنین از امت‌های گوناگونی مانند سلمان فارسی و صهیب رومی و بلال حبشی به ثبوت رسیده است. (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۳۷) بنابراین، جنبهٔ جهانی بودن قرآن اقتضا می‌کند که همهٔ مردم، به ویژه مسلمانان که در صدد آشنا ساختن امت‌ها با معارف قرآن برآمده‌اند، نخست خود با قرآن الفت یابند و در کنار آن به آرامشی همیشگی دست یابند و آنگاه امت‌ها را به بهره‌مندی از این چشمهٔ جوشان آرامش‌بخش فراخوانند.

#### ۴-۲. تجلی ذات مقدس خداوند در قرآن

در ماجرای میقات موسی، زمانی که موسی از خدا می‌خواهد که خود را به او بنمایاند، پاسخ می‌شنود که تو هرگز نمی‌توانی مرا ببینی، اما به کوه بنگر که اگر بر جای خود برقرار ماند، تو نیز مرا خواهی دید. آنگاه خدا بر کوه تجلی فرمود و کوه را متلاشی

ساخت. (اعراف/۱۴۳) از طرف دیگر خدای سبحان، در جایی دیگر نیز از متلاشی شدن کوهها سخن می‌گوید. آنجا که در بیانی تمثیلی، به عظمت قرآن می‌پردازد و می‌فرماید: ﴿لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأُمْتَالُ نُضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (حشر/۲۱) مقایسه این آیه با ماجرای که بر موسی رفته است، نمایان‌گر این مطلب است که راز متلاشی شدن کوهها با نزول قرآن بر آنها در این است که قرآن تجلی ذات مقدس خداوند است. کوهها گرچه در نهان خود معدن می‌پروراند، سرمای سنگین یخها، برفها و تگرگها را در سینه ژرف خود تحمل می‌کنند و اگرچه میخ‌های زمین هستند، (نبأ/۷) ولی تحمل تجلی و وحی ویژه خدا را ندارند. علی (علیه السلام) می‌فرماید: «خدای سبحان در این کتاب برای مردم تجلی کرده، بی‌آنکه بتوانند او را ببینند.» (شریف رضی، ۱۳۸۶: خطبه ۱۴۷) پس اگر کوه توان دریافت و تحمل قرآن را ندارد، برای آن است که قرآن کریم تجلی خداست. این تمثیل که در عظمت قرآن آمده، بیان حد متوسط قرآن است؛ زیرا قرآن، مقام مکنونی دارد که نه تنها کوه توان تحمل آن را ندارد، بلکه تمام سلسله افراشته جبال و مجموعه آسمانها و زمین، از حمل آن ناتوان‌اند. (احزاب/۷۲) امانت قرآن را کسی جزء انسان نمی‌تواند حمل کند، لذا روزی که حقیقت قرآن ظهور کند، بساط آسمان و زمین برچیده می‌شود: ﴿هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ فَهَلْ لَنَا مِنْ شُفْعَاءٍ فَيَسْمَعُوا لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلْ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ قَدْ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَ ضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ﴾ (اعراف/۵۳) در آن روز مجموعه نظام موجود، به نظام دیگری تبدیل می‌گردد: ﴿يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ بَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ﴾ (ابراهیم/۴۸) و البته امانت الهی، مصادیق گوناگونی دارد، که کامل‌ترین آنها حقیقت قرآن کریم است. (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۲۷)

#### ۴-۳- جاودانگی قرآن کریم

قرآن کریم به گفته خود، کتابی جهان‌شمول است و به زمان و زمین و زبان و نژاد و آداب و سنن خاص اختصاص ندارد: ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمْ أَقْتَدَهُ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ﴾ (انعام/۹۰) بر اساس این کلیت و دوام و نیازمندی همیشگی بشر به آن، نباید هیچگاه گرد کهنگی و غبار فرسودگی بر آن راه بیابد. همچنین قرآن که برای هدایت فطرت انسان‌ها آمده است، نباید دچار دگرگونی

و تغییر و تبدیل شود: ﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (روم/۳۰) پس قرآن هیچگاه کهنه و مندرس نمی‌گردد. معنای ثبات جهان از آغاز تا انجام و ثبات فطرت انسانها در هر عصر و مصر و نسلی آن است که قوانین جهان نیز تغییرناپذیر است و طبیعت و ماده به سوی کمال خویش در حرکت است. فطرت انسان هم که جزئی از این جهان است، در سیر کمالی خود نیازمند راهنما و رهبر است و قرآن کریم در این میان، رابط علمی و فرهنگی فطرت انسان با حقیقت جهان و خالق هستی‌بخش آن است. خدای سبحان محتوا و قالب معجزه پایانی‌اش، قرآن را به گونه‌ای سامان داده است که همیشه سفره و مآدبه‌ای باشد تا همگان در هر عصری بر سر آن بنشینند و از نعمت‌های معرفتی آن بهره‌برند. تاریخ قرآن و تفسیر و معارف اسلامی نشان می‌دهد که به برکت قرآن کریم در هر زمانی، درهای معارف جدیدی به روی متفکران گشوده شده، میوه‌های بهشتی معرفتش در هر عصری پرسشهای فراوانی را پاسخ داده و همواره صاحب‌نظران مستعد را تغذیه کرده است. (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۱۶، ۱۹۷) چنان که مضمون این مطلب در روایات بسیاری نیز بیان شده است؛ از امام صادق (علیه السلام) سؤال شد: «چرا قرآن با تکرار و درس و نشر جز تازگی اثر دیگری نمی‌پذیرد؟» آن حضرت فرمود: «تازگی قرآن برای آن است که خدای والا آن را برای زمان یا مردم خاصی نفرستاده است تا تاریخ مصرف آن سپری گردد و کهنه شود و چون همیشگی و همگانی است، در هر زمان جدید است و نزد هر مردمی تا روز قیامت شیرین و پرجذبه است.» (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۱۶، ۱۹۷)

#### ۴-۴. مهمیمن بودن قرآن

از دیگر ابعاد قرآن کریم که لزوم انس با آن را توجیه می‌کند، فراگیر بودن آن بر تمام معارفی است که بر پیامبران قبلی در کتب الهی فرستاده شده است. قرآن وجه کامل آن کتب است و به هیچ وجه محتوای این کتاب الهی گسسته از آن کتب نمی‌باشد، بلکه چه در مواردی که احکام آنها را نسخ نموده و چه در مواردی که ابقا نموده است، بر محتوای آنها احاطه و نظارت دارد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در اشاره به این معنا می‌فرماید: «سوره‌های بلند به جای تورات به من داده شد و سوره‌های صدگانی به جای انجیل، و سوره‌های "مثنی" به جای زبور و سوره‌های مفصل نیز مایه برتری من است و قرآن خود گواه کتابهای آسمانی است و مشرف بر آنها.» (کلینی، ۱۳۶۵:

۲، ۶۰۱) و همچنین نقل شده است که فرمود: «جوامع الکلام به من داده شده است.» عطا از امام باقر (علیه السلام) پرسید: «منظور از "جوامع الکلام" چیست؟» امام (علیه السلام) فرمود: «مراد از جوامع الکلام، قرآن است.» (طوسی، ۱۴۱۴: ۴۸۴)

پس قرآن کریم نسخه جامع و کامل خداوند برای درمان دردهای بشر است و بر انسان‌ها لازم است که در این نسخه بنگرند و درمان دردهای فردی و اجتماعی خود را از آن بگیرند و این کار جز با ارتباط مستمر با قرآن حاصل نمی‌شود و ارتباط مستمر نیز انس به دنبال می‌آورد.

### ۵- آثار انس با قرآن کریم

مسأله دیگری که در اینجا مطرح می‌شود این است که انس به معنای آرامش یافتن در کنار کتاب خدا چه آثاری می‌تواند برای فرد و جامعه در پی داشته باشد. در پاسخ به این پرسش به یک پاسخ کلی و یک پاسخ جزئی می‌توان اشاره کرد. پاسخ کلی این است که هر فایده‌ای که بر آرامش روانی مترتب است، بر انس با قرآن هم مترتب است؛ چون گفتیم که انس با قرآن به معنای آرامش یافتن در کنار قرآن است و وقتی انسان به آرامش روانی برسد، همین سکینه خود پیامدهای مثبت بسیاری دارد و از آثار منفی اضطراب در زندگی نیز جلوگیری می‌کند. پس هر فایده‌ای که بر آرامش روانی و دوری از اضطراب مترتب است، بر انس با قرآن هم مترتب است. اما پاسخ جزئی‌تر و دقیق‌تر به این پرسش با تأمل در آیات و روایات به دست می‌آید که در ادامه بدان می‌پردازیم.

### ۵-۱- رسیدن به هدایت

انسان برای رسیدن به کمال شایسته‌اش باید نخست خودش، هدفش و راه رسیدن به آن را بشناسد، سپس از راهی مستقیم راهی آن هدف شود. همه کتابهای آسمانی و رسولان الهی برای تحقق هدف آفرینش بشر، یعنی رساندن او به کمال کوشیده‌اند. همه کتاب‌های آسمانی برای هدایت بشر آمده‌اند، اما قرآن کریم که آخرین کتاب و پیام الهی است، کامل‌ترین کتاب هدایت و حاوی عالی‌ترین دستورات برای سیر الی‌الله است. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) خاتم پیامبران و کامل‌ترین خلیفه خداست که به اوج قلّه رفیع ﴿ثُمَّ دَنَا دَنَا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى﴾ (نجم/۸۹) رسیده و قرآن کریم را از مقام "لدن" و لقای حق معصومانه دریافت و آن را برای جامعه بشری به ارمغان آورده است. ﴿وَإِنَّكَ لَتَلْقَى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ﴾ (نمل/۶) جایی که پای هیچ انسان کاملی به آنجا نرسیده و بال هیچ فرشته مقربی در آنجا گشوده



نشده است؛ به همین جهت، هدایت قرآن، برتر و کامل‌تر از هدایت دیگر کتاب‌های آسمانی و در بردارنده همه هدایت‌ها و نیز مهیمن بر آنهاست؛ قرآن، در ذات و گوهر وجودی خود هم هدایت است و هم هدایتگر دیگران. قرآن کریم نوری است که جامعه انسانی را از تاریکی‌های طبیعت بیرون می‌برد و به نور معرفت پروردگارش هدایت می‌کند. به همین جهت خدای سبحان به رسول گرامی‌اش می‌فرماید: ﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ﴾ (ابراهیم/۱) هدایت یعنی بیرون بردن انسان از ظلمات و نورانی ساختن او بدان گونه که با تزکیه کامل بتواند در حالی که در دنیا بسر می‌برد، بهشت و جهنم را ببیند: ﴿لَتَرُونَ الْجَحِيمَ﴾ (تکواثر/۶) دیدن ملکوتی آتش جهنم در این دنیا شدنی است و انسان اگر به هدایت الهی از تاریکی‌ها بیرون رود، "جحیم" و "جنة النعیم" را می‌بیند؛ همان گونه که امیر مؤمنان (علیه السلام) در اوصاف متقیان و هدایت یافتگان می‌فرماید: «مؤمنان واقعی در همین دنیا، بهشت و اهل آن را در حال برخورداری از نعمتهای بهشتی می‌بینند و نیز جهنم و بدکاران را در عذاب می‌نگرند. (شریف رضی، ۱۳۸۶: خطبه ۱۹۳) چیزی که هدایت محض است، هرگز ضلالت‌پذیر نیست؛ مانند نور که ذاتاً روشن است و هیچگاه ظلمت‌پذیر نیست همچون حیات که ذاتاً زنده است و هرگز مرگ‌بردار نیست. قرآن کریم کتابی است که آفریدگار جهان درباره‌اش فرمود: ﴿هَذَا بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ (اعراف/۲۰۳) در جای دیگر نوری خوانده شده است که یک حقیقت وجودی ویژه است: ﴿وَ كَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَ لَا الْإِيمَانُ وَ لَكِن جَعَلْنَاهُ نُورًا نَّهْدِي بِهِ مَنْ نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَ إِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (شوری/۵۲) (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۱۶، ۱۰۹)

## ۲-۵. درمان فراموشی

درمان فراموشی ناشی از غفلت دل از خداوند متعال، تنها با یاد مستمر خداوند و ذکر نعمت‌ها و تفضلات او و یادآوری آیات الهی و به خاطر آوردن آخرت و روز حساب میسر است. قرآن در آیه زیر اهمیت ذکر خدا را به عنوان درمان این نوع فراموشی، بیان داشته است: ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيمًا وَ قُعُودًا وَ عَلَى جُنُوبِهِمْ وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ (آل عمران/۱۹۱-۱۹۰)، از آنجا که یاد خدای متعال درمانگر فراموشی و غفلت دل است، خداوند به ما امر فرموده

است که شب و روز و صبح و شام، همواره به یاد او باشیم: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا وَ سَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾ (احزاب/۴۲-۴۱)، ﴿فَإِذَا قُضِيَتْ الصَّلَاةُ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَمًا وَ تَعُودُوا وَ عَلَىٰ جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْفُوتًا﴾ (نساء/۱۰۳) ﴿فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَ ابْتَغُوا مِن فَضْلِ اللَّهِ وَ اذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (جمعه/۱۰) تنها از راه ذکر مستمر خداوند است که انسان می‌تواند فراموشی خدا و غفلت از آخرت را درمان کند؛ زیرا ذکر خدا باعث حضور دائمی باری تعالی در دل است، به طوری که حتی یک لحظه هم از یاد خدا غافل نمی‌ماند. این مسأله ما را به یاد یکی از اصول یادگیری یعنی "تکرار" می‌اندازد؛ زیرا تکرار ذکر خدا، در انسان به صورت عادت در می‌آید، به طوری که در رفتار او تثبیت می‌شود و بدون تلاش و تحمل رنجی در هر لحظه از لحظات زندگی از او صادر می‌شود. نتیجه اینکه یاد خدا همواره در قلب انسان حضور دارد و این همان حالتی است که بسیاری از صوفیان از طریق تکرار تمرینات و ریاضت‌های روحی درصدد به دست آوردن آن هستند. از آنجایی که قرآن کتابی اعتقادی است، طبیعی است که مسأله فراموشی و غفلت انسان را از آخرت، مورد توجه قرار دهد و درمان این نوع فراموشی را که اهمیت بسیاری در تأمین سعادت دنیوی و اخروی او است، مد نظر قرار دهد. اگر بپذیریم که اساس و پایه درمان فراموشی، تکرار ذکر خدا برای تثبیت این عادت و استقرار آن در رفتار انسان است، این مسأله را نیز می‌توانیم استنتاج کنیم که درمان فراموشی معمولی اطلاعات و معلومات، نیز از همین راه، یعنی ذکر مداوم، میسر است. لازم به توضیح است که طبق دیدگاه روان‌شناسان دو نوع فراموشی می‌تواند برای انسان حادث گردد: (نجاتی، ۱۳۸۱: ۲۹۹) فراموشی نوع اول که همان فراموشی معمولی است که در نتیجه تراحم و تداخل معلومات به مردم دست می‌دهد. روان‌شناسان این نوع فراموشی را ناشی از تداخل معلومات می‌دانند؛ آیات سورهٔ اعلیٰ به پیامبر اعلام می‌کند که از این نوع فراموشی مصون خواهد ماند. (اعلیٰ/۷) فراموشی نوع دوم این است که انسان چیزی را در جایی فراموش کند یا مثلاً بخواهد درباره چند موضوع با کسی گفت و گو کند، اما درباره بعضی از آنها صحبت کند و بعضی را هم فراموش کند و پس از مدتی به یاد آورد. فراموشی ذکرشده در سورهٔ کهف از این نوع است: ﴿قَالَ أَرَأَيْتَ إِذْ أَوَيْنَا إِلَى الصَّخْرَةِ فَإِنِّي نَسِيتَ الْهُوتَ وَمَا أَنسَانِيهِ إِلَّا الشَّيْطَانُ أَنْ أَذْكُرَهُ وَ اتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ عَجَبًا﴾ (کهف/۶۳)

اما نوع سومی از فراموشی هم وجود دارد که معمولاً در علم روان‌شناسی چندان بدان

توجه نشده است. این نوع از فراموشی به معنای عدم توجه به موضوع است که نمونه آن در سوره توبه ذکر شده است: ﴿الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِّنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ﴾ (توبه/۶۷) در سوره حشر نیز به این نوع از فراموشی اشاره شده است: ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (حشر/۱۹) فراموشی نوع اول و دوم با تکرار و مداومت بر تذکر قابل درمان است، اما نوع سوم تنها از طریق یاد خدا و انس با کلام او قابل درمان خواهد بود.

### ۵-۳. شفاعت قرآن

در روایات بسیاری در مورد شفاعت و شافعان سخن به میان آمده است و حتی در برخی روایات می‌خوانیم که هر مؤمنی که در این دنیا با مؤمنی دیگر انس و الفت داشته باشد، می‌تواند در آن دنیا از شفاعت یکدیگر بهره‌مند شوند. در روایات بسیاری نیز از شفاعت نمودن قرآن از اهل خرد و قرائت‌کنندگان سخن رفته است. (برای نمونه ر.ک: کلینی، ۱۳۶۵: ۲، ۵۹۶) و در حدیث است که «مؤمنی که در جوانی قرآن را بخواند، قرآن با گوشت و خون او آمیخته می‌شود و خداوند او را با سفرای کرام نیکوکار قرار دهد و قرآن در قیامت پناه او می‌شود. در آنجاست که به او گفته می‌شود: قرآن بخوان و بالا برو.» (کلینی، ۱۳۶۵: ۲، ۶۰۳؛ مجلسی، ۱۳۶۳: ۹۰، ۱۸۷) حضرت علی (علیه السلام) نیز می‌فرماید: «کسی که قرآن او را در روز قیامت شفاعت کند، شفاعتش درباره او قبول می‌شود و کسی را که قرآن روز قیامت (نزد خدای سبحان) نکوهش کند، گفتارش به زبان او تصدیق می‌گردد.» (قافازانی، ۱۳۸۴: ۵۳) بنابراین می‌توان گفت که یکی از مهم‌ترین آثار انس با قرآن، شفاعت آن است.

### ۵-۴. پاک شدن دلها

خدای سبحان راه دستیابی به مراحل والای قرآن را طهارت دل می‌داند: ﴿إِنَّهُ لَقُرْءَانٌ كَرِيمٌ فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾ (واقعه/۷۹-۷۷) مرجع ضمیر در «لَا يَمَسُّهُ» اگر کتاب مکنون (پنهان) باشد، مراد از «مَسَّ» همان مساس عقلی و قلبی و مراد از طهارت، پاکی باطن است که به گواهی آیه شریفه ﴿وَقُرْآنَ فِي بُيُوتِكُمْ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ (احزاب/۳۳) پاکدلانی که به نحو کمال و تمام با کتاب مکنون در ارتباطاند، اهل بیت عصمت و

طهارت (علیهم السّلام) هستند. قرآن کریم حیل ممدود الهی است و مراتب فراوانی دارد. انسان‌ها نیز بر اساس مراتب گوناگون طهارت دل از مراتب متنوع قرآن بهره‌های متفاوت دارند. کسانی که با مراتب نازل قرآن ارتباط دارند، به علوم حصولی و مدرسه‌ای دست می‌یابند که در معرض نسیان و زوال قرار دارد، اما انسان‌های کامل که با مراحل والای قرآن مرتبط‌اند، حقایق قرآن را از "عند الله" و "لدى الله" فرا می‌گیرند. از این رو بهره علمی آنان "علم لدنی" نام دارد: ﴿وَإِنَّكَ لَتَلْقَى الْقُرْآنَ مِنَ لَدُنِّ حَكِيمٍ عَلِيمٍ﴾ (نمل/۶) و هر اندازه انسان بهرمند از قرآن، از طبیعت دور شود، بهره او از ژرفای قرآن بیشتر می‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۱۶، ۲۰۷)

### ۵-۵\_ شفا یافتن قلبها

خدای متعال قرآن را شفای آنچه در دلها و افکار است، معرفی می‌فرماید: ﴿وَنُزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا﴾ (اسراء/۸۲) قرآن در ذات خود شفاست و هیچ بیماری‌ای در آن راه نمی‌یابد و اگر کسی به قرآن مراجعه کند، بی‌شفا و درمان باز نمی‌گردد. بیمار برای درمان به شفاء نیازمند است و هر کس به محضر قرآن بیاید، آن را بفهمد، بپذیرد و بدان عمل کند، بیماری‌های درونی‌اش از بین می‌رود؛ مگر آنکه بیمار خود به قرآن مراجعه نکند یا پس از مراجعه به قرآن، دستور و نسخه شفابخش آن را نپذیرد و بدان عمل نکند یا عملش نادرست باشد. امیر مؤمنان (علیه السّلام)، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را طبیب انسان‌ها معرفی می‌کند: «طیب دوّار بطّبه» (شریف رضی، ۱۳۸۶: خطبه ۱۰۸) طبیب واقعی کسی است که هم علت بیماری، هم نحوه پیشگیری از آن و هم درمان پس از ابتلا را به مردم بگوید؛ نه اینکه منتظر بنشیند تا شخص بیمار شود، پس به درمان او بپردازد. قرآن کریم که مدعی شفابخشی است، می‌کوشد تا انسان‌ها به امراض فکری و قلبی دچار نگردند. قرآن در مرحله نخست نسبت به بیماری‌ها هشدار می‌دهد. اگر کسی در این مرحله، هشدار خدا را نشنید و به عمل ممنوع اقدام کرد، بیمار می‌شود. در این مرحله نیز قرآن کیفیت مداوای بیمار و راه درمان را به او نشان می‌دهد تا او را از مرض برهاند. اگر در این مرحله نیز سخن قرآن را نشنید و به آن عمل نکرد، آنگاه خدا او را به حال خود رها می‌کند. قرآن کریم، هم ضعف‌ها و مرض‌هایی را که به حکمت نظری مربوط است، با برهان شفا می‌دهد و هم مرض‌هایی را که به حکمت عملی مربوط است، با تهذیب و تصفیه دل بهبود می‌بخشد. قرآن همه بیماری‌های اعتقادی و

اخلاقی انسان را درمان می‌کند؛ چهل را که بدترین بیماری درونی است، با علم؛ شک را با یقین؛ اندوه و غم را با آرامش؛ ترس و هراس را با طمأنینه و امید و اضطراب و نگرانی از آینده را با عزم و ثبات برطرف می‌سازد. مؤمن در پرتو شفای قرآن به ولایت می‌رسد: ﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (یونس/۶۲) قلبی که حافظ قرآن است، در این دنیا از سلامت کامل برخوردار است و در آخرت نیز دچار عذاب نمی‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۳۷)

## نتیجه گیری

از آنچه گفته آمد، مطالب زیر را به عنوان خلاصه و نتیجه می‌توان برداشت کرد:

- ۱- واژه انس که انسان نیز از آن مشتق شده است، به معنای آرامش یافتن و ضد توحش است و انسان را از این رو انسان می‌گویند که سرکش و وحشی نیست، بلکه رام و آرام است. پس انس نیز به معنای آرامش یافتن و آرام شدن است. بر اساس معنای لغوی انس، مفهوم انس با قرآن نیز می‌تواند به معنای آرامش یافتن دل نزد این کتاب مقدس تفسیر شود.
- ۲- بر اساس آیات قرآن، قرآن باعث نورانیت دل، آرامش، قرب الهی و عامل بالا بردن درک و معرفت انسان و جلوگیری از روی آوردن به فرهنگ بیگانه است. ضرورت و اهمیت انس با قرآن را می‌توان در پرتو مفاهیمی چون جهانی بودن قرآن، تجلی خداوند بودن قرآن، خلود قرآن و مهیمن بودن قرآن تبیین کرد.
- ۳- از مهم‌ترین آثار انس با قرآن نیز می‌توان از هدایت یافتگی، درمان فراموشی، پاک شدن دل، شفا یافتن دل و قرار گرفتن در حوزه شفاعت قرآن را نام برد.

## کتابنامه

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴: معجم مقاییس اللغة، تصحیح: عبدالسلام محمد هارون، بی‌جا: بی‌نا.
- ۳- ترابی، مرتضی، ۱۳۸۹: قرآن کریم از منظر اهل بیت، قم: مجتمع جهانی اهل بیت، چاپ اول.
- ۴- حسینی دشتی، مصطفی، ۱۳۸۵: معارف و معاریف، تهران: مؤسسه فرهنگی آرایه، چاپ اول.
- ۵- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۵: تفسیر موضوعی قرآن کریم، قم: نشر اسراء، چاپ دوم.
- ۶- \_\_\_\_\_، ۱۳۹۰: همتایی قرآن و اهل بیت، قم: نشر اسراء، چاپ دوم.
- ۷- شریف رضی، محمد، ۱۳۸۶: نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، قم: نشر جمال.

- ۸- صدوق، محمد بن علی، بی تا: من لا یحضره الفقیه، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
- ۹- طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۸۶: قرآن در اسلام، ترجمه: هادی خسروشاهی، قم: بوستان کتاب، چاپ اول.
- ۱۰- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴: الامالی، تصحیح: موسسه بعثت، قم: بعثت.
- ۱۱- عباس نژاد، محسن، ۱۳۹۰: روان شناسی و علوم تربیتی، مشهد: بنیاد پژوهش های قرآنی حوزه و دانشگاه، چاپ دوم.
- ۱۲- فیض کاشانی، مرتضی، ۱۳۸۷: راه روشن؛ صادق عارف، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ سوم.
- ۱۳- قاقازانی، لونا، ۱۳۸۴: اهمیت ترویج قرآن، تهران: انتشارات امیر بهادر، چاپ اول.
- ۱۴- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵: اصول کافی، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۵- مجلسی، محمدباقر، ۱۳۶۳: بحار الانوار، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۶- محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۷۷: میزان الحکمه، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم: دارالحدیث، چاپ اول.
- ۱۷- معلوف، لوئیس، ۱۳۸۴: المنجد، ترجمه: محمد بندر ریگی، تهران: انتشارات ایران، چاپ پنجم.
- ۱۸- معین، محمد، ۱۳۸۵: فرهنگ فارسی تک جلدی، تهران: انتشارات راه رشد.